

«فرهیختگان» ظهور و بروز «فیلم‌های پاپی» سینما را بررسی می‌کند

مجمع‌کار دینال‌ها در قاب‌سینما

آمین(۲۰۰۲)



«کاستا گواراس» با آثاری نظیر «حکومت‌نظامی»، «صد»، «اعتراف»، «گمشده» و... در میان طیف وسیعی از دوستداران هنر هفتم شناخته می‌شود، اما او در این بین یک فیلم مهم دیگر به اسم «آمین» هم دارد که بر اساس سیاست‌های افشاگرانه نسبت به برخی از اعمال کلیسا تولید شده است. در زمان جنگ جهانی دوم «کرت گرشتاین» افسر نیروهای «اس‌اس» که شهادت کشتار یهودیان در اردوگاه‌های مرگ نازی بود عزمش را جزم می‌کند تا «پاپ پیوس دوازدهم» را نسبت به این مسئله، یعنی کشتار یهودیان و عناصر به‌اصطلاح «نامطلوب» آگاه کند. «کرت گرشتاین» اسیر روند‌های اداری کلیسای کاتولیک می‌شود و به‌خاطر عدم پاسخگویی از جانب پاپ با سسر خوردگی تمام به این در و آن در می‌زند تساراهی برای جلوگیری از اقدامات نازی‌ها پیدا کند. در همین اثناست که او با یک کشیش یسوعی به نام «فوتناتا» دیدار می‌کند و ماجرا را برایش شرح می‌دهد.

مایک پاپ داریم(۲۰۱۱)

ایجاد و شکل‌گیری شورای دوم واتیکان در سال ۱۹۶۲ میلادی توسط «ژان بیست‌وسوم» به نقطه‌عطف بسیار مهمی در تاریخ کلیسای کاتولیک رومی بدل شد و توانست مقدمات آشتی با جهان مدرن غربی را فراهم آورد. یکی از آثار این اقدام پدید آمدن «فیلم‌های پاپی» را در پی داشت و باعث شد تا فیلمسازان بدون‌واحه‌به نقد دستاوردهای دنیای کاتولیک بپردازند و حتی مواردی به آئین مسیحیت توهین کنند. رسانه‌ها، کمپانی‌های معروف و حتی کمتر اسمعی هالیوودی به‌واسطه این اقدامات به فکر جذب سر مایه افتادند و موج جدیدی از آثار سینمایی در مورد واتیکان و مقام پاپ را آغاز کردند. سینماگران پیش از به وجود آمدن شورای دوم واتیکان در معدود تجربه‌های سینمایی خود، مسیحیت کاتولیک را ستایش می‌کردند و در مقام نگهبانان این سنت دوهزارساله پشت دوربین قرار می‌گرفتند ولی پس از اوایل دهه ۶۰ میلادی، این «شخصیت» ویژه «پاپ» و «کلیسا» بود که محور اقدامات کارگردانان و صنعت سینمای دنیا قرار گرفت و باعث شد تا آن‌ها به پاپ به‌عنوان یک موجود زنده زمینی نگاه کنند.

«انی مورتی» فیلمساز مطرح ایتالیایی ۱۰ سال پس از دریافت جایزه نخل طلایی جشنواره کن در سال ۲۰۰۱ پشت دوربین «ما یک پاپ داریم» قرار گرفت و با وام‌گیری از سینمای کمدی، داستان پرچالش انتخاب «پاپ

دو پاپ(۲۰۱۹)

«دو پاپ» یکی از آثار مهم سینمای غرب در مورد مسئله جانشینی پاپ بود که در سال ۲۰۱۹ توسط کارگردان برزیلی، «فراندو میرلس» ساخته شد. «پاپ بندیکت شانزدهم» با بازی «آنتونی هاپکینز» تلاش می‌کند تا کاردینال «خورخه ماریو برگولیو» (پاپ فرانسیس تازه‌درگذشته) با بازی «جان‌اتان پرایس» را متقاعد کند تا از تصمیم خویش مبنی بر استعفا به‌عنوان اسقف اعظم خود تجدید‌نظر کند. «دو پاپ» برای نخستین‌بار در جشنواره فیلم تلوراید به نمایش درآمد و اکران محدود آن در آمریکا به آغازی بر موفقیت‌هایش تبدیل شد. بازی تحسین‌برانگیز پرایس و سرآنتونی هاپکینز در کنار فیلمنامه «آنتونی مک‌کارتن» بسیار دیده شد و مورد تحسین منتقدان و خوره‌های سینما قرار گرفت. فیلم در جوایز سالانه اسکار، آکادمی فیلم بریتانیا و ایضاً گلدن گلوب نیز نامزد چند جایزه شد و جایزه اول فیلمنامه را از هالیوود فیلم آوردز» به دست آورد.

مجمع‌کاردینال‌ها(۲۰۲۴)

جدیدترین و شاید مهم‌ترین «فیلم پاپی» این فهرست، «مجمع کاردینال‌ها» است. هیئت ملی فیلم آمریکا از این اثر به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم سینمایی برتر سال ۲۰۲۴ یاد کرده است. «مجمع کاردینال‌ها» به‌عنوان تازه‌ترین اثر «ادوارد برگر» یک تریلر پرتش سیاسی است که نگاه بسیاری از منتقدان سینمایی را به فیلمنامه پر از جزئیات خود جلب کرد. در واقع، نکته مهم و حائز اهمیت این اثر، فیلمنامه‌اش بود و به‌راحتی توانست بر اساس پیش‌بینی‌ها تا دریافت اسکار بهترین فیلمنامه اقباسی (بر اساس رمان رابرت هریس) پیش برود. بعد از درگذشت پاپ بر اثر سکنه قلبی، کاردینال‌ها به مدیریت و رهبری توماس لارنس دور هم جمع می‌شوند تا جانشین او را برگزینند، اما رسوایی هر کدام از نامزدهای جانشینی حسابی آن‌ها را به‌رحمت می‌اندازد.

دارد، بیشتر شبیه رئیس سازمان ملل است تا خدای کتاب مقدس. او بی‌طرف است و البته به شدت لیبرال. فیلمساز با بسنده کردن به خطابه‌های بنیتز وبدون پرداخت کافی این شخصیت طی روایت، از حوادثی در فیلم برای توجیه انتخاب او استفاده می‌کند که شبیه معجزه به نظر می‌رسند. وقتی لارنس (کاردینال مسئول برگزاری جلسات تعیین پاپ جدید) به عنوان تنها گزینه باقی می‌ماند و به خودش رأی می‌دهد، ناگهان بخشی از دیوار کلیسای سیسین فرومی‌ریزد. لارنس در اسلوموشن به قسمت تخریب‌شده نگاه می‌کند. جایی که یک باریکه نور عریض –گویی از جانب خداوند– وارد کلیسا می‌شود. ماجرا جایی بامزه‌تر می‌شود که در انتخابات نهایی، همه کاردینال‌ها ازجمله خود لارنس به همان بخش از دیوار کلیسا نگاه می‌کنند و رأی خود را می‌نویسند. به این ترتیب پاپ جدید–با آن اوصاف ذکر شده– از جانب خداوند انتخاب می‌شود. درواقع آنچه به بنیتز در مجمع کاردینال‌ها قداست می‌دهد، همراهی‌اش با ارزش‌های لیبرال و عبور از خط قرمزهای مسیحیت است. بنیتز به همان دلالی در مجمع کاردینال‌ها محبوب است و توسط خداوند به

نمی‌دادند ولی اوضاع از اوایل دهه ۱۹۵۰اندکی تغییر کرد و راه برای آغاز رابطه این دو نهاد باز شد. براساس سیاهه‌ای که در وبسایت «IMDB» وجود دارد تنها ۱۲ فیلم در باب زندگی و عوالم شخصی رهبران مسیحیت کاتولیک ساخته شده است. این تعداد با توجه به حمله اساسی جوامع به‌اصطلاح «آزاد» به آیین مسیحیت می‌تواند به‌عنوان سوژه‌ای برای نگارش یک مقاله علمی–پژوهشی مستقل مورد اشاره قرار بگیرد و در این مجال جایی برای اشاره به آن نیست، اما غرب با آن هم ادعای خود مبنی بر آزادی فکر و اندیشه «سنگ را بسته و سگ را رها کرده است» تا هرکس هر محتوایی که دلش می‌خواهد در راستای حمله به ادیان ابراهیمی تولید کند و عرصه بر طرفداران و باورمندان به مسیحیت و دیگر ادیان تنگ و تنگ‌تر شود. باری، در این گزارش به موارد انگشت‌شمار «فیلم‌های پاپی» می‌پردازیم و خلاصه‌ای از داستان و حواشی پیرامون هریک از آن‌ها را بازگو می‌کنیم.

و فقط از حیث تاریخ‌نگاری با انگیزه‌های پژوهشی شاید به درد برخی از علاقه‌مندان به حوزه پژوهشگری هنر بخورد.



انجمن مخفی(۱۹۵۲)

بالاخره ناقوس مرگ برای «پاپ فرانسیس» هم به صدا درآمد و او به‌عنوان رهبر کاتولیک‌های جهان در ۸۸سالگی چشم از جهان فرو بست؛ حال جامعه کاتولیک‌های مسیحی علاوه بر قبول این فقدان باید منتظر جانشین «خورخه ماریو برگولیو» باشند و تا آن لحظه دود سفید کلیسای سیستین را تماشا شا‌کنند. اما رابطه سینما به‌عنوان یکی از ظواهر دنیای مدرن با دستگاه مسیحیت و خصوصاً واتیکان و پاپ چگونه بود؟ ما در حال حاضر در دوران طلایی آثار موسوم به «فیلم‌های پاپی» زندگی می‌کنیم، اما اوضاع از زمان پیدایش و استیلای سینما به‌عنوان یک هنر و سپس صنعت پر بارزه همیشه به این شکل نبوده است. در ابتدا فیلمسازان تمایل چندانی به دنیای واتیکان نداشتند و روی خوشی به آن نشان

انجمن مخفی(۱۹۵۲)

اولین فیلم و گمنام‌ترین اثر این فهرست، «انجمن مخفی» ساخته فیلمساز ایتالیایی، «آمبرتو اسکراپالی» است. «انجمن مخفی» اولین فیلم بلند این کارگردان بود؛ او در ادامه حیات هنری خود در سینمای ایتالیا تنها یک اثر دیگر ساخت و عمر کاری‌اش چندان دوامی نداشت؛ چون در چهارراه نئورئالیسم آثار تجاری و فیلم‌های مدرنیستی اروپا گیر افتاده بود و کسی اهمیتی به شکل کار او نمی‌داد. اما داستان این فیلم از چه قرار بود؟ جنگ اول جهانی در شرف آغاز است که «پاپ پیوس دهم» تمام تلاشش را برای عدم وقوع این مصیبت به کار می‌بندد، اما در نهایت خضوع و فروتنی اتفاق مهمی رخ نمی‌دهد و شعله‌های جنگ اروپا و بخش وسیعی از جهان را در بر می‌گیرد. فیلمساز در طول زمان ۹۰ دقیقه‌ای فیلمش، پاپ را انسانی خیر خواه و دوستدار ققرا که جز صلح آرزویی برای این جهان ندارد نشان می‌دهد و با رویکردی کاملاً همسو با مسیحیت کاتولیک از دین متبوعش طرفداری می‌کند. «انجمن مخفی» البته فیلم مهم و قابل اهمیتی نیست

مردی به نام جان(۱۹۶۵)

دومین فیلم این فهرست بر خلاف «انجمن مخفی» اثر ناشناخته‌ای نبود و کارگردانش هم چند سال بعد سری میان سسرها درآورد. «مردی به نام جان» فیلمی در گونه بیوگرافی بود که «آرمانو اولمی» فرمان هدایت تولید آن را برعهده گرفت. «مردی به نام جان» داستان بخشی از زندگی دو یست‌و شصت‌ویکمین پاپ کلیسای جامع رم را دست‌مایه روایت خود قرار داد. در این اثر، «راد استایگر» بازیگر نیویورکی برنده جایزه اسکار به ایفای نقش پرداخت و داستان زندگی پاپ «جان بیست‌وسوم» را از دوران کودکی او در برگامو با مخاطبان در میان گذاشت. «مردی به نام جان» بر اساس خاطراتی که از «آنجلو چوپزه رونکالی» (پاپ جان بیست‌وسوم) بر جای مانده بود تولید شد و به فیلم برتره مهمی در باب زندگی معنوی و الهام‌بخش این پاپ محبوب بدل شد. رونکالی پسر یک تاجر معروف ایتالیایی بود و علاقه ویژه‌ای به مردم زمانه‌اش داشت.

کفش‌های ماهیگیر(۱۹۶۸)

«مایکل اندرسون» در اواخر دهه ۹۰ و در دوران جنگ سرد پای واتیکان و پاپ را به سیاست و درگیری اطلاعاتی – امنیتی «آمریکا» و «شوروی» باز کرد. عمده آثاری که در مورد «پاپ» در سینمای اروپا و آمریکا ساخته شده در ژانر یا گونه «زندگی‌نامه‌ای» دسته‌بندی می‌شود و «کفش‌های ماهیگیر» نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. در روزهای اوج جنگ سرد، «کریل پاولوویچ لاکوتا» اسقف لویو اوکراین بعد از گذشت ۲۰ سال توسط زندانیان خود که در حال حاضر نخست‌وزیر شوروی است آزاد می‌شود. او عاقبت به رم فرستاده و در نهایت پس از مرگ پاپ به‌عنوان جانشین او معرفی می‌شود. در ادامه، لاکوتا که خبر خصومت چین و شوروی به گوشش رسیده برای جلوگیری از آغاز یک جنگ هسته‌ای به کشور شوراها یازمی‌گردد و تصمیم می‌گیرد تا بحران میان این دو کشور را از مسیر گفت‌وگو حل کند.

پاپ بعدی کیست؟ مجمع‌کاردینال‌ها تعیین می‌کند

پاپ فرانسیس –اولین پاپ اهل آمریکای لاتین در تاریخ مسیحیت– دیروز درگذشت. طرفداران پاپ فرانسیس عمدتاً از میان جریان‌های نواندیش دینی، روشنفکران غربی، رسانه‌های لیبرال و فعالان حقوق بشر بودند. آن‌ها او را به عنوان پاپی مردمی، فروتن و اصلاح‌طلب می‌شناختند که تلاش می‌کرد کلیسا را از انجماد قرون وسطایی دور نگه دارد. اما مخالفانش به دنبال حمایت‌های ضمنی او از همجنس‌بازان، سکوتش درباره سقط جنین و اظهارنظرهای سکولار ش، پاپ فرانسیس را بیشتر محصول فضای فرهنگی حاکم می‌دانستند تا نماینده مسیحیت. پس از شنیدن خبر فوت پاپ، ذهنم به سرعت به سمت فیلم «مجمع کاردینال‌ها– ۲۰۲۴» رفت که مضمونش مسئله انتخاب جانشین پاپ بعد از مرگ او بود. فیلمی که به نظر می‌رسد حامی و توجیه‌گر پاپ فرانسیس است. فیلم با پلاستیک سنت شسروعی می‌شود و نمایش لوکیشن‌های



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۳۹۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



عنوان پاپ برگزیده می‌شود که احتمالاً برای پاپ فرانسیس در واقعیت اتفاق افتاده است. البته این خدا، نه خدای مسیحیت که رب‌النوع حقوق بشر گزینشی غربی است. خدایی که برای احقاق حق همجنس‌بازان و در دفاع از سقط جنین دیوار کلیسا را می‌شکافد و یک انسان جنسیت‌زدایی‌شده را به عنوان پاپ انتخاب می‌کند. این را هم اضافه کنم که این خدای جدید همچنان به واسطه اسباب اراده‌اش را پیش می‌برد و به واسطه موج انفجار تروریست‌های مسلمان دیوار کلیسا را تخریب می‌کند! تروریست‌های منتظر بمانیم و ببینیم بعد از پاپ فرانسیس چه کسی به عنوان رهبر مسیحیان جهان انتخاب می‌شود. اگر شخصی مانند بنیتز فیلم مجمع کاردینال‌ها انتخاب شود، احتمالاً پروژه ناتمام فرانسیس را پیش می‌برد. به این ترتیب باید منتظر آشتی عمیق مسیحیت و کلیسا با بازار آزاد و رنگین‌کمان و حقوق بشر گزینشی غربی باشیم، چراکه به نظر می‌رسد در جهان پیش رو، جایگاه پاپ بیش از پیش به جایگاه یک کارگزار فرهنگی گلوبالیسم مبدل شود.